

## سازوکارهای حمایتی از تربیت کودک در آموزه‌های دینی با تأکید بر سیره رضوی

فائزه عظیم‌زاده اردبیلی\* - معصومه حمیدی‌پور\*\*

### چکیده:

کودکان سرمایه‌های انسانی هر جامعه هستند که تربیت و حمایت از آنان ضرورت دارد. از این رو شارع و به تبع آن قانون‌گذار ایران سازوکارهای حمایتی ویژه‌ای به منظور حمایت از حیات، حقوق اساسی و نحوه تربیت آنان در قالب ولایت‌قهری، حضانت و قیمومت پیش‌بینی کرده است. در این مقاله پرسش اصلی این است که تربیت را بر چه اساسی باید تبیین کرد و چه ابعادی را دربر می‌گیرد؟ در سازوکارهای شرعی و قانونی برای حمایت از تربیت مورد نظر چه تدابیری اندیشیده شده است؟ و در آموزه‌های دینی به‌ویژه سیره امام رضا<sup>(ع)</sup> چه شاخصی برای تبیین مفهوم تربیت در جامعه ارائه می‌شود؟ در این مقاله که به روش توصیفی - تحلیلی تهیه شده در تمام سازوکارهای حمایتی از کودک، کفر و فسق متقاضی سرپرستی کودک، مانع از برخورداری از سرپرستی می‌شود زیرا دین و اخلاق کودک در معرض خطر قرار می‌گیرد. همچنین توصیه‌های متعددی در آموزه‌های دینی و به‌طور خاص سیره رضوی در رابطه با عوامل مؤثر بر تربیت کودک ارائه شده و بیانگر این است که شارع مقدس به تأثیر این عوامل از جمله وراثت، رضاع و تغذیه، سنن ولادت و... نه تنها بر جسم کودک بلکه بر فطرت و اخلاق او اهتمام داشته است. روش‌های نیز در سیره معصومین به‌ویژه امام رضا<sup>(ع)</sup> برای تربیت دینی کودک و نهادینه‌کردن ارزش‌های اسلامی در روح و جان کودک ارائه شده است که عبارت‌اند از: محبت‌مداری و تکریم، ارائه الگو و تربیت عملی، تشویق و موعظه کردن.

### واژه‌های کلیدی:

کودک، سازوکارهای حمایتی، تربیت، آموزه‌های دینی، سیره رضوی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۲/۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۳/۱۳

azimzadeh@isuw.ac.ir

\*. استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی دانشگاه امام صادق<sup>(ع)</sup> پردیس خاوران

\*\* . دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خانواده دانشگاه امام صادق<sup>(ع)</sup>

## ❖ مقدمه

سال دوم، شماره پنجم، بهار ۱۳۹۳

فرزند از جمله ارزشمندترین نعمت‌های الهی است که خداوند متعال از روی فضل و لطف خود به انسان‌ها هدیه می‌کند. همچنین از مهم‌ترین مواضع امتحان الهی محسوب می‌شود. با نگاهی به اصول، منابع و قوانین دین مبین اسلام می‌توان دریافت که داشتن فرزند و تلاش در جهت تربیت نسلی صالح و مؤمن از جمله اموری است که بسیار توصیه شده و مورد تأیید و تشویق قرار گرفته است. رسول اکرم (ص) فرمودند: «ازدواج کنید و در ازدیاد نسل بکوشید که من در روز قیامت به (کثرت) اتمم مباحات می‌کنم» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴: ۱۴۹). همچنین در آیه ۷۴ سوره فرقان، عبادالرحمان، از خداوند متعال طلب همسر و فرزندان می‌کنند که مایه روشنی چشم آنها باشند. مراد آنان، از اینکه همسران و ذریه‌شان قره‌عین ایشان باشد، این است که موفق به طاعت خدا و اجتناب از معصیت او شوند و در نتیجه از عمل صالح آنان، چشم‌هایشان روشن شود (زیرا همسر و ذریه‌ای را دوست می‌دارند که بنده خدا باشند) (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵: ۳۳۹). آیه مذکور بیانگر این است که اهل ایمان و تقوا، از اهمیت خانواده و تأثیر آن بر رشد معنوی آگاه هستند و از این رو برای برخورداری از همسر و فرزند صالح و متقی، دست دعا به درگاه خدا بلند می‌کنند.

از این رو اسلام همواره اهتمام ویژه‌ای به تربیت داشته و چه در قرآن کریم و چه در روایت‌ها، هم به ضرورت تربیت و هم به روش‌های تربیت اشاره شده است. زیرا انسان، مستعد اتصاف به همه صفات‌ها و کمال‌های الهی است. آفریده شده تا به مقام خلیفه الهی برسد و این سیر جز با تربیت محقق نمی‌شود. تربیت موفق در نهایت به نهادینه شدن ارزش‌ها، هنجارها و رفتارهای مورد تأیید شرع و عرف منجر می‌شود.

به دلیل اهمیت وافر امر تربیت و نگره‌داری کودکان در دین مبین اسلام و به تبعیت از آن، حقوق موضوعه ایران سازوکارهای حمایتی ویژه برای کودکان در خانواده و جامعه در نظر گرفته است، از جمله رضاع، حضانت، ولایت، قیمومت و برای هر یک نیز مقررات و احکام مخصوصی وضع کرده است.

## جایگاه فرزند در اسلام

طلب فرزند و تربیت نسل باایمان، هم از الطاف الهی و هم وظیفه مسلمانان در جامعه اسلامی است. با توجه به مجموعه احادیثی که در رابطه با ازدواج و طلب فرزند و تربیت او، از پیامبر گرامی اسلام و ائمه معصومین<sup>(ع)</sup> وارد شده است حداقل شدت استحباب این امور درک می‌شود. از سویی دیگر، متأسفانه در حال حاضر در جامعه مسلمانان ایران مشاهده می‌شود این امور مهم که در نزد شارع، ارزشمند محسوب می‌شوند، بی‌ارزش شده و در رابطه با آنها کم‌توجهی و اهمال صورت می‌گیرد. از این‌رو آمار ازدواج، میزان تمایل به فرزند داشتن، سطح دقت و توجه به تربیت صحیح و مبتنی بر شریعت اسلام کاهش یافته است. با رواج تفکر مادی، ارزشمندی ذاتی ازدواج و طلب فرزند در تفکر عامه مردم کم‌رنگ شده و سبک زندگی آنها را تحت تأثیر قرار داده است.

تغییر نگرش جامعه به فرزند و اهمیت تربیت همه‌جانبه او مبتنی بر اصول و ارزش‌های اسلامی و تربیت دینی از این‌رو ضرورت دارد که کثرت جمعیت به‌خصوص جمعیتی که بر اساس اصول، ارزش و آرمان‌های متعالی دینی و فرهنگ غنی اسلامی تربیت یافته و تعلیم دیده‌اند و به آن مبانی متعهد و پایبند هستند، مهم‌ترین عامل قدرت و اقتدار هر کشوری به‌ویژه ایران اسلامی خواهد بود.

از سویی با نگاهی به متون روایی، فقهی و حقوقی درمی‌یابیم کودکان که سرمایه‌ها و ذخایر ارزشمند انسانی هر جامعه‌ای محسوب می‌شوند، از سازوکارهای حمایتی مهمی چه در بُعد مراقبت جسمی و چه در بُعد تعلیم و تربیت برخوردارند. این مطلب در سیره امام رضا<sup>(ع)</sup> نیز همچون سایر اهل بیت گرامی پیامبر اسلام<sup>(ص)</sup> جاری است (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۳۴؛ بحرانی اصفهانی، ۱۳۴۱ق، ج ۲۳: ۷۳ و ۷۸).

## سازوکارهای حمایتی اسلام از کودک

با نگاهی به متون روایی، با حجم قابل توجهی از روایت‌ها در زمینه حقوق فرزندان مواجه می‌شویم. همچنان‌که در آیات متعددی از قرآن کریم نیز به کودکان و حقوق ایشان

❖ اشاره شده است و از سویی کتاب‌های فقهی نیز چه به صورت پراکنده در ذیل ابواب مختلف سال دوم، شماره پنجم، بهار ۱۳۱۳ فقهی و چه به صورت منسجم در بابی مستقل تحت عنوان احکام اولاد ذیل کتاب نکاح به این حقوق پرداخته‌اند.

بخشی از حقوق کودک، در تربیت و رشد او آثار وضعی بسیاری دارند؛ اما بر والدین و سرپرستان کودک واجب نیست و به عنوان مستحبات و سنن ولادت معرفی شده‌اند (عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۸: ۳۹۴). قسمتی دیگر از حقوق کودک به واسطه اهمیت‌شان در حفظ جان و روان کودک و تأثیر فراوان و مستقیم آنها بر شخصیت و تربیت طفل، بر والدین و سرپرستان و حتی در مواردی بر حاکم حکومت اسلامی و در غیاب او بر عدول از مؤمنین واجب و تکلیف شده است (عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۶: ۲۶۴ و ۲۶۵؛ شیرازی، ۱۴۲۹ق، ج ۱: ۳۱۴). هدف از تشریح آنها، در مرحله اول، حفظ جان و منافع کودک توسط نزدیک‌ترین خویشاوندان و در مرحله دوم توسط جامعه و حاکم اسلامی به عنوان سرپرست و مسئول جامعه مسلمانان است. این حقوق در واقع نهادهای حمایتی از کودک هستند و عبارت‌اند از: ولایت قهری، حضانت، قیمومت و رضاع.

### ولایت قهری

ولایت به معنی عام، سلطه‌ایی است که شخص بر مال و جان دیگری پیدا می‌کند و شامل ولایت پدر، جد پدری و پیامبر و حاکم نیز می‌شود. «وکی» در روابط خانوادگی، اقتداری است که قانون‌گذار به منظور اداره امور مالی و گاه تربیت کودک، به پدر و جد پدری اعطا می‌کند (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ج ۲: ۱۸۶). ولایت پدر و جد پدری به ولایت آنها بر مال به معنی تدبیر امور مربوط به اموال و ولایت بر نفس و همچنین ولایت در استیفاء حقوق صغار مثل حق شفعه، حق قصاص و حق خیار تقسیم می‌شود.

از مهمترین وظایف یک پدر قطعاً مراقبت از جسم و روح کودک خویش است، لذا در سیره ائمه معصومین<sup>(ع)</sup> نیز حساسیت و دقت ایشان در امر مراقبت و تربیت فرزندان‌شان مشهود است. از جمله اینکه در سیره امام رضا<sup>(ع)</sup> مشاهده می‌شود

سازوکارهای حمایتی از تربیت ... ❖ ۱۴۵

❖ سال دوم، شماره پنجم، بهار ۱۴۰۳

زمانی که ایشان از مدینه به مرو آورده شدند و از خانواده خود دور بودند لکن بر رفتار و تربیت فرزندشان امام جواد<sup>(ع)</sup> نظارت داشتند و در نامه‌هایی، ایشان را مورد خطاب و نصایح خود قرار می‌دادند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۴۳).

به دلیل اهمیت این وظیفه در احکام اسلامی، اختیار وکی قهری بسیار گسترده است و هیچ‌کس از جمله حاکم اسلامی، حق دخالت و نظارت بر اقدام‌های او را ندارد و تنها امری که این اختیار را محدود می‌سازد غبطه و مصلحت کودک است که در هر حال باید توسط اولیاء او مورد توجه قرار گیرد. ظاهر این است که پدر و جد پدری بیش از هر شخصی نسبت به فرزند خود دلسوز هستند و مصلحت او را رعایت می‌کنند، به همین دلیل اقدامشان مورد حمایت «اصل صحت و اعتبار اقدام‌های وکی قهری» قرار دارد؛ اما اگر خلاف آن اثبات شود، حاکم اسلامی می‌تواند با در نظر گرفتن مصالح کودک، وکی را عزل کند.

### حضانة

حضانة به معنی حفظ و نگهداری کودک و پرورش دادن اوست (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۶: ۹۱۲۶). در مجمع‌البحرین، حضانة، به نوعی ولایت بر کودک و مجنون اطلاق شده که فایده آن تربیت او و آنچه به تربیت تعلق دارد از جمله رعایت مصلحت، حفظ و نگهداری، در گهواره گذاشتن و برداشتن، شستشوی بدن و لباس، آراستن و در مجموع تمام اموری که به مصلحت کودک است به جز رضاع (طریحی، ۱۴۱۶ق، ج ۶: ۲۳۷).

در میان فقهاء درباره حضانة اختلاف نظر دیده می‌شود. برخی آنرا صرفاً در همان معنای لغوی‌اش به کار برده‌اند و حضانة را فقط مراقبت از طفل، شستشوی بدن و لباس، تطهیر از نجاست، آراستن و خواباندن تعریف کرده‌اند (عاملی کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۷: ۲۴۶)؛ در حالی که برخی، معنای آنرا به نگهداری همراه با تربیت تعمیم داده‌اند و آنرا ولایت و سلطنت بر تربیت طفل و انجام آنچه به مصلحت اوست از قبیل حفظ و نگهداری، نظافت، پرستاری و تربیت دانسته‌اند (حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۳: ۱۰۱؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۷: ۵۴۹). برخی نیز بدون استفاده از لفظ ولایت که مناقشه‌آمیز است، مراد از حضانة را تربیت کودک

❖ و انجام اموری که برای حفظ او مصلحت است تعریف کرده‌اند (فاضل موحدی لنگرانی، سال دوم، شماره پنجم، بهار ۱۳۹۳، ۱۴۲۱ق: ۵۵۶).

لکن قدرمتیقن این است که حتی اگر حضانت را به معنای لغوی آن یعنی نگهداری کودک بدانیم اما نمی‌توان منکر این حقیقت شد که به‌هر حال کودک از کسی که در آغوش او رشد و با او ارتباط عمیق عاطفی برقرار می‌کند تأثیرپذیری شدیدی داشته و در عمل تحت تربیت اخلاقی و عملی او قرار دارد. به‌ویژه این نکته که دوران حضانت مادر تا هفت سالگی یعنی دوران طلایی زندگی کودک است و پس از آن تا بلوغ بر عهده پدر قرار می‌گیرد. در این زمان بخش مهمی از شخصیت او شکل گرفته و این اهمیت حضانت را می‌رساند و نمی‌توان به صرف توجه به معنای لغوی، از آنچه در عمل واقع می‌شود، چشم پوشید.

مادر امام کاظم<sup>(ع)</sup>، حمیده خاتون، در توصیف عروسشان تکتم خاتون که قبل از آن کنیز ایشان بود به امام هفتم<sup>(ع)</sup> می‌فرمایند: «ای پسر، تکتم کنیزی است که من تا به حال کنیزی بهتر و افضل از او ندیده‌ام و شک و شبهه ندارم که اگر نسلی برای او باشد به‌زودی خدا آن‌را ظاهر کند و من او را به تو بخشیدم، پس سفارش کن به او نیکی کنند» (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۱: ۱۴).

مادر امام رضا<sup>(ع)</sup> چنان بانوی اهل طاعت و عبادت بود که نقل شده بعد از وضع حمل چون کودک وی شیر زیادی طلب می‌کرد، تقاضای دایه‌ای کرد تا در شیر دادن به او کمک کند و علت آن‌را چنین بیان کرد «از وضع حمل به بعد از میزان عبادت من کم شده و می‌خواهم او به من کمک کند تا عبادت خود را انجام دهم» (همان: ۱۵).

### قیمومت

اگرچه در منابع فقهی از لفظ «قیم» به‌جای «وصی» نیز استفاده شده اما در متون فقهی و حقوقی معاصر مراد از قیم، فردی است که به‌واسطه ولایت حاکم بر «من لا ولی له» از باب امور حسبه از سوی حاکم شرع برای رسیدگی به امور صغار تعیین می‌شود (عاملی، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۳۲۸؛ نجفی، ۱۳۸۱ق، ج ۱: ۴۸۴) و مرتب توسط او مورد نظارت قرار گرفته و باید حساب تصرف‌هایش را به حاکم بدهد. محدوده اختیار چنین فردی در حیطة قلمرو اختیار

سازوکارهای حمایتی از تربیت ... ❖ ۱۴۷

❖ سال دوم، شماره پنجم، بهار ۱۳۹۳

حاکم شرع است که البته حدود آنرا نیز خود حاکم تعیین می‌کند. به عبارتی ممکن است حاکم شرع فقط در بخشی از اختیارات خود به قیم نمایندگی بدهد. بنابراین قیمومت، سمتی عمومی و قضایی است که در آن شایستگی قیم بیش از هر شرط دیگری اهمیت دارد. قیم فقط مسئول اداره اموال صغیر نیست بلکه در مراقبت جسمی، روانی، تربیت صحیح، تعلیم و آموزش او به منظور توانمند ساختن وی نیز وظیفه و مسئولیت دارد.

### رضاع

شیر دادن به کودک جزء حقوق و نفقه او محسوب شده و بر عهده پدر قرار دارد. فقهاء در این مورد اتفاق نظر دارند که رضاع و شیر دادن کودک بر مادر واجب نیست؛ مگر لباء که شیر آغازین هنگام تولد است (حلی، ۱۳۴۱ق، ج ۲: ۵۱؛ عاملی، ۱۴۱۰ق، ج ۵: ۴۵۲). در این باره ادعای اجماع نیز شده است (طباطبایی حائری، ۱۴۱۸ق، ج ۱۲: ۱۴۵). امام رضا<sup>(ع)</sup> می‌فرماید: «بهترین شیر برای کودک شیر مادرش است» (عطاردی‌خبوشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲: ۲۷۸). امام<sup>(ع)</sup> به کلمه «امه» اشاره دارند یعنی شیر مادر کودک، زیرا علاوه بر مزایای غذایی شیر مادر، مادر بودن مزیت مهمی است که محبت و انس وی به کودک با شیر و در آغوش گرفتن منتقل می‌شود. مزیت دوم توسط دایه منتقل نمی‌شود. از سویی، تأثیر شیر در رشد و تربیت کودک آنچنان زیاد است که شیر دادن در اسلام با شرایطی، ایجاد محرمیت می‌کند و در روایت‌های متعددی به ویژگی زنانی که به‌عنوان مرضعه و دایه انتخاب می‌شوند، اشاره و در دقت در احوال و رفتار آنها سفارش مؤکد شده است، زیرا شیر، صفات دایه (چه جسمی و چه روحی و عقیدتی) را به کودک منتقل می‌کند و در تربیت و شکل‌گیری ساختار شخصیت وی بسیار مؤثر است.

### جایگاه تربیت دینی در سازوکارهای حمایت از کودک

از آنچه در مورد سازوکارهای حمایتی موصوف بیان شد، مشخص می‌شود تربیت یکی از موضوع‌های مهم و اساسی در رابطه با کودک است که شارع مقدس و قانون‌گذار به آن

❖ سال دوم، شماره پنجم، بهار ۱۳۹۳

توجه و اهتمام داشته‌اند. اما تربیت، مفهومی گسترده است. علاوه بر بدهاقتی که برای آن تصور می‌شود، ضروری است فهم مشترک نیز برای انتقال بهتر مقصود، ایجاد شود، زیرا به علت ابعاد گسترده و رابطه تنگاتنگ آن با دین و فرهنگ، بهتر است متناسب با اصول و عقاید دینی و فرهنگی هر جامعه مجدد تبیین شود.

در نگاه دینی به خانواده و جامعه‌ای دین‌مدار که سبک زندگی و قواعد و مقررات زیستی بر مبانی دینی، اوامر و نواهی الهی استوار و اخلاق اسلامی زینت‌بخش روش زندگی است، تربیت، مفهومی مجرد از دین و آمیزه‌های دینی نیست. در این فضا، دین نه چند کتاب و مقاله، بلکه هوایی است که مسلمانان در آن تنفس می‌کنند. بنابراین تمام آنچه در مفهوم تربیت قرار می‌گیرد نیز خودبه‌خود رنگ دینی و توحیدی دارد. پس بحث از تربیت دینی به این معنی نیست که در خانواده مسلمان و جامعه اسلامی، تربیت غیردینی هم به رسمیت شناخته شده است اگرچه این تفکر غلط رایج باشد که والدین حق دارند فرزندان خود را دین‌دار یا بی‌دین تربیت کنند.

حقیقت این است که در نهادهای حمایتی اسلامی از کودک، تربیت کودک اولویت دارد و عقلاً مراد از آن، تربیت همه‌جانبه در فضای دینی است. موارد متعددی می‌توان یافت که هرگاه دین کودک در خطر بوده، شارع مقدس حتی از والدین حق سرپرستی و تربیت طفل را گرفته است. از جمله این موارد عبارت‌اند از:

### کفر

از شرایط ولایت قهری این است که ولی قهری کودک مسلمان باید مسلمان باشد و کفر از موارد ابطال ولایت است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۹: ۲۰۶). حتی ولی مسلمان برای مولی علیه مسلمان خود نمی‌تواند وصی غیرمسلمان تعیین کند (حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۵۶۴). اگرچه مبنای آن را قاعده نفی سبیل و آیه ۱۴۱ سوره مبارکه نساء «و لن يجعل الله للكافرين على المسلمين سبيلا» ذکر کرده‌اند اما نباید از توجه به این نکته غافل شد که ولی قهری و وصی، وظیفه



سازوکارهای حمایتی از تربیت ... ❖ ۱۴۹

❖ سال دوم، شماره پنجم، بهار ۱۴۹۳

نگهداری و تربیت کودک را نیز بر عهده داشته‌اند و اگرچه شاید به علت قرابتی که با طفل دارند نسبت به او دلسوز باشند اما هرگز قادر نخواهند بود او را مبتنی بر تعالیم اسلامی نگهداری کرده و تربیت کنند. آنها قادر به انتقال اصول و ارزش‌های دین اسلام به فرزندانشان نیستند و حتی در اداره اموال کودک امکان دارد دارایی حلال وی را با آنچه در شریعت مقدس اسلام حرام است، درآمیزند. در حضانت نیز شرط اسلام مورد توجه فقهاء است (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۶: ۴۰؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۱: ۲۹۴). زمانی که پدر و مادر کودک به واسطه کفر، از ولایت و حضانت کودک خود محروم می‌شوند به طریق اولی، اسلام در قیمومت شرط مفروض در تعیین قیم محسوب می‌شود زیرا گفته شد مبنای قیمومت ولایت حاکم شرع در حکومت اسلامی است. در رضاع، اسلام شرط نشده اگرچه از استحباب برخوردار است اما تأکید شده اگر در صورت اضطرار از زن غیرمسلمان استفاده شد باید او را در این دوره، از شرب خمر و خوردن گوشت خوک منع کرد (طوسی، ۱۴۰۰ق: ۵۰۴).

### عدالت نداشتن و فسق

دیدگاهی در میان فقهاء، عدالت را در ولایت پدر و جد شرط دانسته است (حلی، ۱۴۱۳ق، ۵۶۴)؛ اما نظر مشهور، عدالت را شرط ولایت نمی‌داند و می‌گوید پدر و جد پدری دارای ولایت مطلق از جانب شارع مقدس هستند و این مطلب از اطلاق عبارت ایشان در باب ولایت ولی قهری قابل استفاده است (عاملی، ۱۴۱۰ق، ج ۴: ۱۰۵؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۶: ۱۰۲). البته برخی تأکید کرده‌اند در ولایت، عدالت شرط نیست زیرا مبنای ولایت، رابطه پدری است و پدر اگرچه مرتکب معاصی نیز شود به سبب شدت محبت به فرزندش از تزییع اموال و مصالح او خودداری می‌کند و نسبت به فرزند خود امین است. همچنین در سیره متشرعه نیز به صرف ارتکاب برخی از معاصی، پدر را از تصرف در اموال فرزندش منع نمی‌کردند (مکارم‌شیرازی، ۱۴۲۵ق: ۴۰۳)؛ اما اگر حاکم شرع بر اساس قرائن و شواهد متوجه شد ولی قهری در رعایت مصلحت و حفظ اموال صغیر دچار فسق و فساد است، باید او را از ولایت عزل کند (همان: ۴۰۴).

در مورد شرط عدالت و نداشتن فسق در حضانت، در متون فقهی چند دیدگاه وجود دارد به این صورت که یا در ضمن بیان شرایط حاضن به آن اشاره نشده یا به عدم اشتراط عدالت تصریح شده (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۱: ۲۸۹؛ حلی، ۱۳۸۷ق، ج ۳: ۲۶۵) یا عدالت شرط حضانت بیان شده (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۶: ۴۰) یا به قدرمتیقن اکتفا شده و نداشتن فسق شرط حضانت دانسته شده است (عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۸: ۴۲۴). کسانی که عدالت یا دست کم نداشتن فسق را شرط می دانند گفته اند که فسق، دین کودک را در معرض خطر قرار می دهد و فاسق، کودک را بر سبک و سیاق خود تربیت می کند، از سویی صاحب جواهر که عدالت را شرط ندانسته، علت آن را با قدری کم لطفی نسبت به زنان، نادر بودن حصول عدالت در زنان بیان کرده است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۱: ۲۸۹)؛ اما فخرالمحققین معتقد است ملاک، محبت و شفقتی است که به واسطه رابطه سببی بین حاضن و طفل وجود دارد، حضانت نوعی امانت است و در امانت فسق ملاک نیست (حلی، ۱۳۸۷ق، ج ۳: ۲۶۵) زیرا امین بودن با فسق قابل جمع است.

بر اساس آنچه بیان شد در قیومیت نیز به طریق اولی دست کم باید نداشتن فسق را شرط دانست، زیرا قیومیت بر عهده حاکم شرع است و در نتیجه قاضی نیز برای اعطای نمایندگی خود باید کسی را انتخاب کند که شایستگی کافی داشته باشد.

در باره رضاع نیز در روایت ها و آرای فقهاء تأکید شده برای شیر دادن و سرپرستی کودک، بانویی عاقل، مسلمان، عفیف و خوش سیما انتخاب شود زیرا شیر بر طبیعت، شخصیت و ظاهر کودک تأثیرگذار است (طوسی، ۱۴۰۰ق: ۵۰۴؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲۳: ۳۷۶). از امام رضا<sup>(ع)</sup> روایت شده است: «لَا تَسْتَرْضِعُوا الْحَقَمَاءَ وَلَا الْعُمَشَاءَ فَإِنَّ اللَّبْنَ يُعَدِي؛ از دایه احمق یا کم بینا برای شیر دادن به فرزندان استفاده نکنید زیرا این صفات به فرزند منتقل می شود» (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۳۴). این روایت بیانگر تأثیر ویژگی های جسمی از طریق شیر بر کودک است. همچنین در روایت دیگری تأکید شده دایه کودک، ولدالزنا نباشد (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲۳: ۳۷۶)، زیرا آثار وضعی عمل شنیع زنا در طبیعت و شخصیت او تأثیر داشته

و امکان انتقال به کودک از طریق شیر متصور است که این امر بر انتقال ویژگی‌های روحی مرضعه بر کودک دلالت دارد. لذا وقتی امام<sup>(ع)</sup> بر انتقال ویژگی جسمی دقت داشته و بر انتخاب دایه سالم و عاقل برای کودک تأکید دارند به طریق اولی بر دقت در ویژگی‌های روحی و دینی او نیز تأکید داشته‌اند.

### عوامل مؤثر بر تربیت کودک در آموزه‌های دینی

تربیت از ابعاد متعددی تشکیل می‌شود و شامل تربیت جسمانی کودک شامل تغذیه، نظافت و بهداشت او، تربیت ایمانی و دینی به معنی آشنا ساختن او با عقاید اسلامی، اصول و فروع دین، دعوت او به انجام دستور و تعالیم دین و نهی از محرّمات الهی، تربیت اخلاقی به معنی آشنا و متخلق ساختن او به فضائل اخلاقی و همچنین تربیت نفسی یعنی پرورش شخصیت او به صورت انسانی کامل و متصف به صفات والای انسانی مانند شجاعت و خیرخواهی و تربیت عقلی و علمی او است (انصاری شیرازی، ۱۴۲۹ق، ج ۳: ۲۶۵-۲۶۴). در ابعاد مختلف تربیت کودک عوامل متعددی چه پیش از تولد و چه پس از آن به طور مستقیم یا غیرمستقیم دخیل و در شکل‌گیری شخصیت، اخلاق، رفتار و حتی ظاهر جسمانی او مؤثر هستند. از این رو افرادی که به هر نحو در سیر تربیتی کودک سمت یا نقشی دارند و به طور خاص والدین، باید به این عوامل دقت کافی داشته باشند، زیرا تربیت زمانی به طور کامل صورت می‌گیرد که کودک در تمام ابعاد آن رشد کرده و نتیجه آن، سوق دادن متری به سوی ایمان آوردن و یقین یافتن به اصول و عقاید و ملتزم ساختن او از عمق وجود به احکام دین است به نحوی که در تمام مراحل رشد و زندگی خود و در تمام ابعاد و جوانب آن، آنچه مرضی خداوند متعال است را مدنظر داشته باشد و معیار تشخیص اعمال و رفتارهای مورد رضایت خداوند را نیز از شریعت دریافت کند.

با بررسی روایت‌هایی که از ائمه معصومین<sup>(ع)</sup> از جمله امام رضا<sup>(ع)</sup> وجود دارد و با دقت در احادیثی که از داشتن فرزند ناشایست و غیر صالح نکوهش می‌کنند (تمیمی آمدی،

❖ ۱۴۱۰ق: ۷۲۵) می‌توان دریافت آنچه موجب سعادت و روشنی چشم و شادی قلب می‌شود، داشتن فرزندان باایمان و صالح است. برای داشتن چنین نسلی باید حتی قبل از ازدواج برنامه‌ریزی کرد. از انتخاب همسر گرفته تا نحوه برخورد با کودک، تغذیه و تربیت شخصیت انسانی وی و آموزش معارف دینی به او، همه برای تربیت نسل صالح بوده که در دستورهای دینی اسلام به تمام این مراحل توجه شده است. همچنان‌که در سیره امامان شیعه نیز دقت ایشان در انتخاب همسر و تربیت کودک را می‌توان مشاهده کرد از جمله در زندگانی امام رضا<sup>(ع)</sup> که چه در انتخاب مادر ایشان توسط امام کاظم<sup>(ع)</sup> و چه در انتخاب مادر امام جواد<sup>(ع)</sup>، بانوانی باایمان و پرهیزکار انتخاب شدند. اگرچه هر دو در ابتدا کنیز بودند؛ اما ایمان و پاک‌دامنی ایشان ملاک انتخاب آنها بود. در کتاب‌های فقهی نیز در بابی تحت عنوان احکام اولاد به برخی از این عوامل به‌عنوان حقوق مستحب کودک اشاره شده است. برخی از این عوامل عبارت‌اند از:

### انتخاب همسر صالح

خانواده در ابتدا از یک زن و مرد شکل می‌گیرد و همسران، هم در رشد و تعالی یکدیگر و هم در رشد و تربیت فرزندان نقش مهم و مؤثری دارند. از سویی یکی از حکمت‌ها و کارکردهای ازدواج تولید مثل است. امام رضا<sup>(ع)</sup> از پیامبر اسلام<sup>(ص)</sup> نقل می‌فرمایند: «تزوجها سواد و ولودا و لا تزوجها جمیلة حسناء عاقرا فانی مباحکم الأمم یوم القیمة؛ با زن سیاه‌چهره و زایا ازدواج کنید نه با زن زیبا و نازا، زیرا به کثرت امتم در قیامت مباحات می‌کنم» (عطاردی، ۱۴۰۶ق، ج ۲: ۲۵۵). در روایت‌های دیگر نیز از جمله صفات پسندیده برای زن هنگام ازدواج، توانایی باروری او ذکر شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۳۳۳)، زیرا هر فرد با انتخاب همسر، مادر یا پدر فرزند خود را نیز انتخاب می‌کند پس اگر فرزندی سالم و شایسته بخواهد باید برای او مادر یا پدری سالم و شایسته انتخاب کند. در روایتی از امام صادق<sup>(ع)</sup> انتخاب مادر خوب برای فرزند از جمله حقوق کودک بر پدر دانسته شده است: «تَجِبُ لِلْوَالِدِ عَلَی وَالِدِهِ نَلَاتُ

سازوکارهای حمایتی از تربیت ... ❖ ۱۵۳

❖ سال دوم، شماره پنجم، بهار ۱۳۹۳

خِصَالِ اخْتِيَارُهُ لَوْلَدَتِهِ وَ تَحْسِينِ اسْمِهِ وَ الْمُبَالَغَةَ فِي تَأْدِيبِهِ؛ بر پدر در مورد فرزندش سه چیز واجب است، انتخاب مادر (شایسته) برای او، انتخاب نام نیک و تلاش فراوان در تربیت او» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵: ۲۳۶).

اهمیت همسر شایسته چنان قابل توجه است که امام رضا<sup>(ع)</sup> آنرا سودمندترین خیر برای هر شخصی می‌داند. صفوان بن یحیی از امام رضا<sup>(ع)</sup> نقل کرده است که فرمودند: «مَا أَفَادَ عَبْدٌ فَأَيْدَةً خَيْرًا مِنْ زَوْجَةٍ صَالِحَةٍ إِذَا رَأَاهَا سَرَّتَهُ وَإِذَا غَابَ عَنْهَا حَفِظَتْهُ فِي نَفْسِهَا وَ مَالِهِ؛ هیچ سودی برای مرد بهتر از همسر صالح که هنگام دیدن وی، شوهر خوشحال شود و در غیاب شوهر نگهدار خود و اموالش باشد، نیست» (عطاردی خبوشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲: ۲۵۶) زیرا چنین همسری، برای خانواده خود آرامش و امنیت روانی فراهم می‌کند و به همین دلیل ایشان از ازدواج با فرد بداخلاق (همان) و شارب خمر منع می‌کند و در مورد ازدواج با شراب‌خوار می‌فرمایند: «هر کس دختر خود را به عقد شراب‌خوار درآورد گویی او را به زنا داده است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۳: ۴۹۱). ایشان حکمت حرمت شراب را زوال عقل و از بین بردن حیا (همان، ج ۷۶: ۱۴۳) و همچنین از جمله حکمت‌های حرمت زنا را، از بین رفتن انساب و ترک تربیت فرزندان (صدوق، ۱۳۸۵ق، ج ۲: ۴۷۹) بیان کرده‌اند.

### دعا در طلب فرزند صالح و توجه به شرایط انعقاد نطفه

در مباحث نکاح می‌توان به روایت‌هایی دست یافت که حتی برای اولین رابطه زوجین و نحوه انعقاد نطفه‌ای پاک به‌عنوان اولین گام در ایجاد و تربیت کودک برنامه عملی ارائه شده است. در خطبه‌ای تقریباً طولانی از پیامبر اسلام<sup>(ص)</sup> که خطاب به حضرت علی<sup>(ع)</sup> ایراد شده، تأثیر حالت‌ها و زمان‌ها در بسته شدن نطفه ذکر شده است که لزوم دقت و حساسیت را در نحوه رابطه زناشویی و انعقاد نطفه می‌رساند (همان، ۱۴۱۳ق، ج ۳: ۵۵۱). امام رضا<sup>(ع)</sup> در رابطه با اولین برخورد زوجین می‌فرماید: «هنگامی که زن به خانه تو وارد شد، پیشانی‌اش را بگیر و او را به طرف قبله بنشان و بگو: خداوندا، او را به امانت گرفته‌ام و با میثاق تو بر

❖ سال دوم، شماره پنجم، بهار ۱۳۹۳

خود حلال کرده‌ام، پروردگارا، از او فرزند بابرکت و سالم روزی‌ام کن و شیطان را در نطفه‌ام شریک مساز و سهمی برای او قرار مده» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۵: ۱۲۲). امام رضا<sup>(ع)</sup> در این دعا لزوم طلب فرزند سالم و صالح را از درگاه خداوند متعال یادآوری می‌کنند، زیرا در نگاه توحیدی همه امور در دست قدرت الهی واقع شده است و هر چقدر هم تمام نکات و اصول تربیتی رعایت شود باز هم انسان، بی‌نیاز از کمک و عنایت الهی نمی‌شود. فرزند صالح و سالم، از الطاف پنهان و آشکار خداوند است که باید اعطای این لطف را از درگاه الهی طلب کرد.

### مراقبت‌های دوران حمل

پس از تشکیل نطفه، باید به مراقبت‌های جسمانی، روحی و روانی مادر و کودک در دوران حمل توجه شود. در این دوران آنچه مادر می‌خورد، می‌بیند، می‌شنود، می‌خواند و به‌طور کلی تمام افعال، اعمال، حالت‌ها و احساس‌های او در شخصیت و صفات کودک مؤثر است. به‌همین دلیل توصیه‌های متعددی در مورد مراقبت‌های دوران بارداری و تغذیه مادر از ائمه معصومین<sup>(ع)</sup> رسیده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶: ۲۳-۲۲) از جمله امام رضا<sup>(ع)</sup> توصیه می‌کنند که به زنان باردار، کندر داده شود، زیرا «اگر حمل آنها پسر باشد، پاکیزه‌قلب، دانشمند و شجاع خواهد شد و اگر دختر باشد، خوش‌اخلاق و زیبا، وسرین او بزرگ می‌شود و نزد شوهرش منزلت می‌یابد» (همان: ۲۳). واضح است که تغذیه علت تامه ایجاد این صفات نیست اما می‌تواند عامل کمک‌کننده و زمینه‌ساز باشد.

بدیهی است موارد بیان شده، به والدین اختصاص دارد اما موارد دیگری وجود دارد که اختصاصی به والدین نداشته و هر کسی که در چارچوب سازوکارهای حمایتی از کودک نقشی در تربیت دارد، باید به آنها دقت کند.

### تغذیه کودک

از دیگر عوامل مؤثر و تسهیل‌کننده در تربیت صحیح کودک، تغذیه او به‌خصوص در

دوران شیرخوارگی است. چه از جهت جسمی و چه روحی این دوره در رشد کودک بسیار تأثیرگذار است. در روایت رضوی آمده که هیچ شیری برای کودک بهتر از شیر مادرش نیست (عطاردی، ۱۴۰۶ق، ج ۲: ۲۷۸)، ضمن آنکه در روایت‌ها به صفاتی که لازم است دایه کودک داشته باشد یا از آنها خالی باشد نیز اشاره شده است زیرا شیر صفات دایه (چه جسمی و چه روحی و عقیدتی) را به کودک منتقل می‌سازد. شیر چنان در طبیعت، شخصیت و ظاهر کودک تأثیرگذار است که در روایتی از امام علی<sup>(ع)</sup> تأکید شده است: «تَخَيَّرُوا لِلرَّضَاعِ كَمَا تَخَيَّرُونَ لِلنِّكَاحِ فَإِنَّ الرِّضَاعَ يُغَيِّرُ الطَّبَاعَ؛ بهترین فرد را برای رضاع انتخاب کنید همان‌طور که بهترین را برای ازدواج انتخاب می‌کنید زیرا شیر فطرت را تغییر می‌دهد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۰: ۳۲۳). در روایت‌های متعددی به انتخاب دایه عاقل، مسلمان، عقیف و زیبا توصیه و از برگزیدن دایه احمق، کم‌بینا، غیرمسلمان، ناصبی، ولدالزنا و زشت‌صورت منع شده است (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱: ۴۶۹-۴۶۲) که فقهاء آن‌را بر کراهت حمل کرده‌اند.

تغذیه کودک نیز باید از مواد غذایی سالم و حلال باشد و نباید کودک را از غذایی که مضر است یا از مال حرام به‌هر نحو چه مال متعلق به غیر باشد بدون رضایت او یا مالی که خمس و زکات آن پرداخت نشده یا آنچه نجس است مانند مسکرات یا مردار (هر چیزی که ذبح شرعی نشده باشد)، تغذیه کرد، زیرا غذای ناسالم و حرام بر رشد جسمی و تربیتی کودک تأثیر مستقیم خواهد داشت. می‌توان این مطلب از عمومات فقهی استنباط کرد زیرا شخصی که وظیفه انفاق به کودک را بر عهده دارد باید نفقه را از مال خودش بدهد یعنی مالی که در مالکیت اوست و اصل هم این است که مسلمان از حلال کسب درآمد می‌کند. همچنین روایت‌هایی که از دادن شراب به کودکان منع کرده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶: ۳۹۶؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۵: ۳۰۷)، روایت‌هایی که خوردن غذای مضر را حرام دانسته‌اند (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۵: ۸۴) و همچنین حکم عقل، بر این امر دلالت دارند.

### سنن ولادت

اعمالی به‌عنوان سنن و مستحبات ولادت در روایت‌ها و احکام ذکر شده است که شامل

❖ سال دوم، شماره پنجم، بهار ۱۳۳۲

غسل، اذان و اقامه گفتن در گوش نوزاد، برداشتن کام کودک با آب فرات و تربت سیدالشهدا<sup>(ع)</sup>، انتخاب نام نیکو، تراشیدن سر و صدقه دادن به اندازه وزن موها، عقیقه و ختنه می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۱: ۱۱۶). هر کدام از این موارد در تربیت کودک مؤثر هستند. کودک در بدو تولد باید آوای توحید را در با گوش جان بشنود و در کام خود طعم تربت اباعبدالله<sup>(ع)</sup> و آب فرات را حس کند تا حق‌طلبی، عدالت‌خواهی و محبت اهل بیت<sup>(ع)</sup> در عمق روح و جانش نفوذ کند همان‌طور که برخی روایت‌ها به این معنا اشاره کرده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶: ۳۸۹).

از مهم‌ترین و مؤثرترین این سنن در سیر تربیتی کودک که تا پایان عمر نیز همراه او خواهد بود، انتخاب نام است. ضمن اینکه انتخاب نام نیک و مناسب از حقوق اولیه کودک است. از امام کاظم<sup>(ع)</sup> نقل شده که فردی از رسول خدا<sup>(ص)</sup> در مورد حق فرزند سؤال کرد. پیامبر گرامی اسلام<sup>(ص)</sup> فرمودند: «حق فرزند این است که نام و تربیت او را نیکو گردانی و او را در جایگاه (تربیتی) نیکویی قرار دهی» (همان: ۴۸). همچنین آن امام همام<sup>(ع)</sup> می‌فرمایند: «اولین نیکی انسان به فرزندش انتخاب نام نیک برای اوست» (همان: ۱۸).

نام فرد می‌تواند در صفات روحی، روانی و شخصیت او تأثیرگذار باشد. به‌همین دلیل در روایت‌های متعددی انتخاب نام نیک، با معنای خوب و انتخاب نام انسان‌های صالح از جمله پیامبران یا اسامی که نشان‌دهنده بندگی خداوند باشد، توصیه شده و از انتخاب نام‌هایی با معنای نامناسب و تحقیرکننده یا اسامی که دلالت بر سرکشی و گستاخی در برابر خداوند یگانه می‌کنند، نهی شده است (همان: ۲۱-۱۸). شاید علت این توجه و دقت در انتخاب نام به دلیل تأثیر نام شایسته در تصویر شخصی فرد از خودش باشد. در حقیقت چنین تأثیری مبتنی بر اصل ارتباط متقابل میان باطن و ظاهر آدمی است، زیرا ظاهر و باطن انسان در شکل‌دهی یکدیگر مؤثر هستند و بر این اساس نام نیکو که پدیده‌ای ظاهری است می‌تواند بر باطن فرد که همان شخصیت و منش اوست، اثرگذار باشد (شرفی، ۱۳۸۸: ۱۱۳)، ضمن آنکه با انتخاب نام شایسته، موقعیت و شأن ویژه برای کودک اعلام می‌شود تا دیگران به



جهت آن نام او را گرامی بدارند همچنان که امام رضا<sup>(ع)</sup> می فرمایند: «هر گاه فرزندی را محمد نام گذارید، او را گرامی بدارید، در انجمن‌ها به او گشادگی و وسعت مکان دهید و نسبت به او روی ترش نکنید» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۱: ۱۲۸). لذا کودکی که نام نیکی بر او نهاده شده به لحاظ رعایت حرمت نامش باید مورد احترام ویژه قرار بگیرد و این خود موجب می شود که صفات نیک نیز در او نهادینه شود.

### آموزش علوم و معارف دینی

کودکی و نوجوانی مهم‌ترین دوران‌های رشد و تربیت کودک هستند، زیرا شخصیت او در حال شکل‌گیری و ذهن و روح او مدام در حال کنکاش و یادگیری است. همان‌طور که امام علی<sup>(ع)</sup> توصیف فرمودند: «قلب نوجوان همانند زمین کاشته نشده‌ای است که آماده پذیرش هر بذری است. باید در تربیت او شتاب کرد قبل از آنکه دلش سخت و عقل او به چیز دیگری مشغول شود» (شریف‌رضی، ۱۳۷۹: ۵۲۳). از نخستین و مهم‌ترین اموری که در ابتدا باید به فرزند آموخت کتاب خدا، شریعت اسلام و حلال و حرام الهی است. امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> در نامه‌ای به امام حسن<sup>(ع)</sup> به این ضرورت اشاره می‌کنند و در روایت‌های متعددی نیز به لزوم آموزش و تعلیم این امور تأکید شده است. همچنین امام سجاد<sup>(ع)</sup> می‌فرماید: «پدر در مورد فرزندش در سه امر مسئول است اول تربیت و آداب شایسته او، دوم راهنمایی او به سوی خدا و سوم یاری کردن او در اطاعت خداوند متعال» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۶۲۲). در فرایند آموزش تربیت کودک باید مرحله به مرحله عمل کرد. در روایت‌های اسلامی نیز برای آموزش و تعلیم معارف و احکام دینی به مراحل مختلف سن کودک توجه شده است. از این رو در برخی روایت‌ها، دوران تربیت کودک به سه دوره هفت ساله تقسیم شده است (طبرسی، ۱۴۱۲ق: ۲۲۲؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶: ۴۷) تا والدین و سرپرستان کودک به تفاوت‌های دوره‌های رشد، توانایی و نیاز کودک در هر کدام از این مراحل توجه کنند. از امور مهمی که در روایت‌ها تأکید شده باید از اوایل کودکی آموزش آنها آغاز شود، عقاید دینی و اصول

❖ دین است. در روایتی از امام باقر و امام صادق<sup>(ع)</sup> بیان شده است که:

وقتی پسر به سه سالگی رسید باید به او بگویند هفت بار لا اله الا الله بگوید و سپس رهایش کنند تا سه سال و هفت ماه و بیست روز او تمام شود و بعد به او بگویند هفت مرتبه محمد رسول الله بگوید و او را رها کنند تا چهار سال او تمام شود. آنگاه به او بگویند هفت مرتبه صلی الله علی محمد و آله بگوید و سپس رهایش کنند تا پنج سال او تمام شود. آنگاه از او بپرسند که دست چپ و راست کدام است؟ اگر شناخت باید صورتش را به سمت قبله برگردانده و به او بگویند سجده کن. سپس رهایش کنند تا هفت سال او تمام شود سپس به او بگویند صورت و دو دستت را بشوی. وقتی آن را شست باید به او بگویند نماز بخوان. سپس رهایش کنند تا ۹ سال او تمام شود و سپس وضو به او یاد داده شود و بر ترک آن تنبیه شود و به نماز امر شود و بر ترک آن تنبیه شود (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۱: ۲۸۱).

این روایت و روایت‌های مشابه دلالت بر مراحل تربیت ایمانی و دینی کودک دارند. سیره معصومین<sup>(ع)</sup> در تربیت فرزندان نیز حاکی از اهتمام ایشان در انتقال و آموزش این مفاهیم به نسل بعد است. امام رضا<sup>(ع)</sup> در پاسخ دربارهٔ پسری هشت ساله که به دلیل ختنه شدن و درد نماز نمی‌خواند، با تعجب و ناراحتی سؤال می‌کنند: «سُبْحَانَ اللَّهِ يَتْرُكُ الصَّلَاةَ؟!» و سپس می‌فرماید: «هرگونه که می‌تواند، نماز بخواند» (همان). این نحوهٔ پرسش امام<sup>(ع)</sup> نشان می‌دهد که از نظر ایشان کودک هشت ساله نه فقط باید نماز خواندن را بداند بلکه باید بر آن محافظت و مداومت و از ترک عمدی آن اجتناب کند.

در کنار آموزش معارف دینی، عقل حکم می‌کند سرپرست کودک باید علوم و فنون مورد نیازش را نیز آموزش دهد تا در آینده بتواند به‌عنوان شخص کارآمد و توانمند، زندگی شخصی خود را اداره کرده و برای جامعه مفید و مؤثر باشد. همچنان‌که از نظر فقهاء، سپردن کودک به استادی دلسوز برای یادگیری علم یا فن از اختیارهای ولی کودک است (حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۱۳۶) که با فرض وجود مصلحت و ضرورت می‌توان این اختیار را برای سایر سرپرستان نیز متصور شد.

### روش‌های تربیتی در سیره رضوی

سیره امام رضا<sup>(ع)</sup> همچون سایر ائمه معصومین<sup>(ع)</sup> از آموزه‌های تربیتی سرشار بوده و شخصیت و سیر زندگی ایشان یک الگو و مدل انسان کامل است که روح و جان انسان‌هایی که به دنبال رشد و کمال حقیقی باشند را تربیت می‌کند. در این مجال به‌طور خاص فقط به بخشی از آنچه در موضوع تربیت کودک می‌توان در حد و وسع، استنباط کرد، پرداخته می‌شود.

بهترین و بیشترین اطلاعات را می‌توان از نحوه تعامل ائمه معصومین<sup>(ع)</sup> با فرزندانشان و به‌طور خاص ویژگی‌های رفتاری امام رضا<sup>(ع)</sup> در رابطه با فرزند عزیزشان امام جواد<sup>(ع)</sup> و مدل تربیتی ایشان دریافت کرد.

### محبت‌مداری و تکریم

الگوهای مختلفی در مورد تربیت کودک توسط متخصصان ارائه شده است؛ اما با بررسی منابع اسلامی، الگویی که اسلام آن را ارائه می‌کند مدل تربیتی مبتنی بر محبت، قاطعیت و کرامت است (ری شهری، ۱۳۸۶: ۱۸۴). محبت به کودک از اصول تربیتی کودک بوده و به شدت مورد تأکید روایت‌ها قرار گرفته است (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۶۲۵). همچنین ترک ابراز محبت نیز نکوهش شده (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳: ۲۸۳)؛ اما در عین حال افراط در محبت نیز نهی شده است (همان، ج ۷۴: ۱۰۸)، لذا در کنار محبت، صلابت، دقت و قاطعیت نیز در تربیت کودک لازم است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۶۲). پس کودک در عین اینکه مورد محبت است رها نیست تا هر کاری که خواست انجام دهد. اصل دیگر این الگو، تکریم کودک، احترام و ارزش قائل شدن برای اوست (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱: ۴۷۶). در اسلام کودک نباید مورد تحقیر قرار گیرد زیرا کودکی که شخصیت او محترم و باارزش قلمداد شود، به احساس خودارزشمندی (عزت و کرامت نفس) دست می‌یابد و چنین کسی خود را به زشتی‌ها آلوده نمی‌کند (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱: ۳۳۹).

اولین تأثیر محبت، رشد احساس پذیرش و مقبولیت در فرزند، نوعی خوش‌بینی به

آینده و اتکا به حمایت‌های خانواده در زمان مناسب است. در سیره عملی تمام ائمه معصومین<sup>(ع)</sup> از جمله امام رضا<sup>(ع)</sup> در برخورد با فرزندانشان ابراز محبت جزو اصول تربیتی است. امام رضا<sup>(ع)</sup> فرزندشان را در آغوش می‌گرفتند، می‌بوسیدند و با عبارت‌هایی مانند «بابی انت و امی» او را مورد خطاب قرار می‌دادند (بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳ق، ج ۲۳: ۷۸). همچنین ایشان در تکریم و احترام به فرزندشان بسیار دقت می‌کردند و به‌طوری‌که هرگز او را به نام نمی‌خواندند بلکه همواره کنیه او را صدا می‌زدند (همان: ۷۳) زیرا در زبان عرب صدا زدن یک فرد با کنیه، نشانه احترام زیاد به او است. احترام و تکریم کودک عزت‌نفس او را بالا می‌برد و خودش و دیگران برای او شخصیت قابل احترامی قائل خواهند بود و در نتیجه رفتار و اعمالش نیز بر اساس نگرشی که خود و دیگران از وی دارند، شکل می‌گیرد. در سیره امام کاظم<sup>(ع)</sup> نیز مشاهده می‌شود چنان احترامی برای امام رضا<sup>(ع)</sup> قائل بودند که هرگاه در مورد ایشان صحبت می‌کردند بدون اینکه او را مخاطب قرار دهند چنین یاد می‌کردند: «بگویند فرزند من رضا را نزد من بیاورند، به فرزندم رضا چنین گفتم، فرزندم رضا چنان گفت» و هرگاه ایشان را مخاطب قرار می‌دادند او را با کنیه‌شان «ابالحسن» صدا می‌زدند (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۱: ۱۴). این رفتار بیانگر لزوم تکریم کودکان است ضمن اینکه به نوعی ابراز محبت به ایشان نیز است.

### ارائه الگو و تربیت عملی

از روش‌هایی که می‌توان در تربیت فرزند به‌کار برد روش الگودهی و تربیت عملی است. ارزش‌ها و رفتارها در ابتدا در خانواده شکل می‌گیرند و در قلب و جان کودک ریشه می‌کنند. کودکان اولین کسانی را که می‌شناسند و از آنها الگو می‌گیرند، والدینشان هستند. کودکان در سال‌های نخست زندگی همه چیز خود را از والدین و وابسته به ایشان می‌دانند. امام رضا<sup>(ع)</sup> می‌فرماید: «بَرُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا إِلَيْهِمْ فَإِنَّهُمْ يَطُّنُونَ أَنْكُمْ تَرَزُقُونَهُمْ؛ به فرزندانتان خوبی و نیکی کنید زیرا آنان گمان می‌کنند که شما ایشان را روزی می‌دهید» (مجلسی،

۱۴۰۳ق، ج ۷۱: ۷۷). به همین دلیل والدین نقش الگویی بسزایی دارند و از قدرت بسیاری در تأثیرگذاری بر کودکان برخوردار هستند. امام علی<sup>(ع)</sup> می‌فرماید: «کسی که خود را پیشوای مردم قرار دهد باید پیش از تعلیم مردم، خود را تربیت کند و قبل از تربیت زبانی با رفتارش مردم را تربیت کند» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶: ۱۵۱). امام صادق<sup>(ع)</sup> می‌فرماید: «با غیر زبانتان دعوت‌کننده مردم باشید. باید مردم از شما پرهیزکاری، تلاش، نماز و خوبی ببینند که این دعوت کردن است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۷۸). در نتیجه بهترین روش برای تربیت کودک این است که ابتدا خود والدین عامل به دستورها و اوامر الهی باشند. امام کاظم<sup>(ع)</sup> نیز به والدین امر می‌کند که حتماً به وعده‌هایی که به فرزندان می‌دهند وفا کنند: «إِذَا وَعَدْتُمُ الصِّبْيَانَ فَفُوا لَهُمْ فَإِنَّهُمْ يَرَوْنَ أَنَّكُمْ الَّذِينَ تَرْتَفُونَهُمْ؛ هنگامی که به کودکان وعده می‌دهید به آن وفا کنید زیرا آنها گمان می‌کنند که شما آنها را روزی می‌دهید» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶: ۵۰) زیرا آنها الگو و مورد اعتمادترین اشخاص نزد کودکان هستند و وفا نکردن به قول و وعده، تصویر مثبت والدین را نزد کودک از بین می‌برد، اعتماد او را تخریب می‌کند و تأثیر منفی عمیقی بر تربیت کودک خواهد داشت. از جمله این تأثیرها، اثر منفی آن بر رابطه کودک با خدا در آینده است، زیرا پیش از آنکه کودک با مفهوم خدا آشنا شود والدین به خصوص پدر را رب و صاحب‌اختیار خود می‌داند و به تعبیری نقش خداوندی برای وی قائل است، حال اگر والدین به وعده‌های خود عمل نکنند او این خلف‌وعده را به مفهوم خداوندی تسری می‌دهد و ناخودآگاه در رابطه او با خدا تأثیر منفی خواهد داشت (ری‌شهری، ۱۳۸۶: ۲۳۱). در روایت نیز بر اساس عبارت «فَإِنَّهُمْ يَرَوْنَ أَنَّكُمْ الَّذِينَ تَرْتَفُونَهُمْ» به این نکته اشاره شده است.

### تشویق و موعظه کردن

پس از اینکه والدین به زبان رفتار و عمل به الگوی عینی تبدیل شدند باید فرزندان خود را نیز به انجام اعمال صالح تشویق و امر کنند. از این‌رو امام رضا<sup>(ع)</sup> امر می‌فرماید: «به

❖ سال دوم، شماره پنجم، بهار ۱۳۹۳  
 فرزندان دستور بده که با دست خود صدقه بدهد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۴). ایشان حتی در تربیت فرزند خود نیز از این روش استفاده می‌کنند و در نامه‌ای به امام جواد<sup>(ع)</sup> ایشان را از خروج پنهانی از خانه نهی کرده و می‌فرمایند:

قسم به حقی که بر تو دارم از تو می‌خواهم که راه ورود و خروجت جز از در اصلی نباشد و پیوسته با خود درهم و دینار داشته باش که اگر نیازمندی کمک خواست، دریغ نکنی. قصد من این است که خداوند جایگاهت را بلند گرداند، پس به دیگران کمک کن و هراسی از تنگ‌بستی به دل راه مده (همان: ۴۳).

امام رضا<sup>(ع)</sup> در این نامه، هم فرزند خود را به انفاق امر فرمودند و هم ایشان را مورد موعظه قرار دادند و در ضمن شدت دلسوزی و خیرخواهی خود را نیز بیان کردند. امام علی<sup>(ع)</sup> نیز در نامه‌ای به امام حسن<sup>(ع)</sup> در ابتدا با بیان شدت محبت خود علت نگارش نامه و بیان موعظه‌های آنرا ذکر می‌کنند و سپس فرزندشان را به نیکی‌ها امر و از بدی‌ها نهی فرموده و به امور مهم توجه می‌دهند. نحوه نگارش این نامه‌ها در واقع روش عملی تربیت فرزند و تذکر و موعظه کردن او را آموزش می‌دهند.

تربیت کودک از مباحث مهم و پیچیده در علم دین است که باید با کنکاش عمیق در منابع اسلامی و آموزه‌های دینی به اصول و روش‌های مورد تأیید ائمه معصومین<sup>(ع)</sup> دست یافت. اما باید همواره توجه داشت که از منظر تعالیم اسلامی، تربیت فقط صرف رشد جسمی و آموزش علوم عقلی، منطقی و دانش روز نیست بلکه از مهم‌ترین جنبه تربیت، ایجاد زمینه ارتباط کودک با خدا و اصلاح این رابطه و هدایت او در جهت بندگی و طاعت خداوند متعال است. والدین اگرچه در مقابل نیازهای دنیوی فرزندان خود مسئول هستند اما بیش از آن در قبال آخرت و هدایت آنها مسئولیت دارند. در واقع مراقبت بهداشتی و جسمانی کودک، تربیت عقلی و علمی او و آموزش آنچه برای زندگی اجتماعی لازم است، باید در جهت تربیت ایمانی و اخلاقی کودک باشد تا او را به بنده خاضع در مقابل پروردگار و عضوی مؤمن و متقی در جامعه مسلمانان مبدل سازد که در جهت اهداف والای الهی گام بردارد. از

سویی تربیت، از حقوق کودک، تکلیف والدین و سرپرستان و حتی حاکم اسلامی است و از این رو در تمام سازوکارهای حمایتی که شارع مقدس و قانون‌گذار در ایران اسلامی برای حمایت از رشد جسمی و روحی کودکان پیش‌بینی کرده‌اند، مقوله تربیت به‌عنوان محور اصلی مورد توجه بوده و البته بدیهی است که بهترین شخص برای تبیین و تفسیر محتوای تربیتی نیز شارع مقدس اسلام است.

### نتیجه‌گیری

۱. در دین مبین اسلام و حقوق موضوعه ایران اسلامی چندین سازوکار حمایتی برای کودکان پیش‌بینی شده و در پی آن نخست والدین و سپس اشخاصی که به‌عنوان سرپرست کودک تعیین می‌شوند مکلف شده‌اند که به‌طور همه‌جانبه از حیات و حقوق اساسی کودک حمایت کرده و در تربیت شایسته او تمام تلاش خود را به‌کار گیرند؛

۲. مراد از تربیت در جامعه اسلامی، پرورش انسانی سالم، صالح و دانشمند است که در تمام ابعاد انسانی آن رشد کرده و نتیجه آن، سوق یافتن متربی به‌سوی ایمان آوردن و یقین یافتن به اصول و عقاید و ملتزم ساختن او از عمق وجودش به احکام دین است به‌نحوی که او در تمام مراحل رشد و زندگی خود و در تمام ابعاد و جوانب آن آنچه مرضی خداوند متعال است را مدنظر داشته باشد و معیار تشخیص اعمال و رفتارهای مورد رضایت خداوند را نیز از شریعت دریافت کند؛

۳. در سازوکارهای حمایتی از کودک به جهت اهمیت تربیت وی که باید در فضای دینی و مبتنی بر آن صورت پذیرد، عواملی پیش‌بینی شده مانند کفر و فسق که اگر حتی بر والدین کودک عارض شود، به ضرورت حفظ دین کودک و تربیت صحیح او، سرپرستی طفل را از ایشان سلب می‌کند؛

۴. در کنار وظایف واجب سرپرستان کودک که در چارچوب نهادهای حمایتی بر عهده ایشان قرار می‌گیرد، یک‌سری توصیه‌های عملی دیگر نیز برای سرپرستان کودک در آموزه‌های

❖ ۱۶۴ ❖ فرهنگ رضوی

❖ سال دوم، شماره پنجم، بهار ۱۳۹۶  
❖ دینی و به‌ویژه سیره امام رضا<sup>(ع)</sup> ارائه شده است از جمله: انتخاب همسر شایسته، انتخاب دایه مناسب، تأمین تغذیه سالم و حلال، رعایت سنن ولادت و تعلیم و آموزش علوم و معارف دینی؛

۵. برخی از روش‌های تربیتی در سیره رضوی که از نحوه تعامل ایشان با فرزندشان امام جواد<sup>(ع)</sup> قابل استنباط است عبارت‌اند از: محبت‌مداری و تکریم، ارائه الگو و تربیت عملی، تشویق و موعظه کردن.



## منابع و مأخذ

- اصفهانى بحرانى، عبدالله، (۱۴۱۳ق). *عوامل العلوم و المعارف والأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال*. ۱۰ ج، چاپ اول، قم: الإمام المهدي<sup>(ع)</sup>.
- العطاردى الخبوشانى، عزيزالله، (۱۴۰۶ق). *مسند الامام رضا<sup>(ع)</sup>*. ۲ ج، بی جا: المؤتمر العالمى للإمام الرضا<sup>(ع)</sup>.
- انصارى شیرازى، قدرت الله، (۱۴۲۹ق). *موسوعة أحكام الأطفال و أدلتها*. ۴ ج، چاپ اول، قم: مركز فقهى ائمه اطهار<sup>(ع)</sup>.
- بحرانى، يوسف بن احمد بن ابراهيم، (۱۴۰۵ق). *الحدائق الناضرة فى أحكام العترة الطاهرة*. ۲۵ ج، چاپ اول، قم: اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علمیه قم.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، (۱۴۱۰ق). *غررالحکم و دررالكلم (مجموعه من كلمات و حکم الإمام على<sup>(ع)</sup>)*. چاپ دوم، قم: دارالکتاب الإسلامی.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۷۸). *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*. ۵ ج، تهران: گنج دانش.
- حراغاملى، محمدبن حسن، (۱۴۰۹ق). *تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*. ۳۰ ج، چاپ اول، قم: آل البيت<sup>(ع)</sup>.

- حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، (۱۴۱۳ق). **قواعد الأحكام فی معرفة الحلال و الحرام**. ۳ ج، چاپ اول، قم: اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- حلی، فخرالمحققین محمد بن حسن بن یوسف مطهر، (۱۳۸۷ق). **ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد**. ۴ ج، چاپ اول، قم: اسماعیلیان.
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷). **لغتنامه**. ۱۰ ج، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ری شهری، محمد، (۱۳۸۶). **حکمت نامه کودکان**. چاپ اول، قم: دارالحدیث.
- شرفی، محمدرضا، (۱۳۸۸). **مهارت های زندگی در سیره رضوی**. چاپ سوم، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- شریف رضی، محمد بن حسین، (۱۳۷۹). **نهج البلاغه**. ترجمه محمد دشتی، چاپ اول، قم: مشهور.
- صدوق، محمد بن علی، (۱۳۷۸). **عیون أخبار الرضا<sup>(ع)</sup>**. ۲ ج، مصحح مهدی لاجوردی، چاپ اول، تهران: جهان.
- صدوق، محمد بن علی، (۱۴۱۳ق). **من لا یحضره الفقیه**. ۴ ج، چاپ دوم، قم: اسلامی.
- صدوق، محمد بن علی، (۱۹۶۶م/۱۳۸۵ش). **علل الشرائع**. ۲ ج، چاپ اول، قم: کتابفروشی داوری.
- طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۴). **تفسیر المیزان**. ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، ۲۰ ج، چاپ پنجم، قم: اسلامی.
- طباطبایی حائری، سید علی بن محمد، (۱۴۱۸ق). **ریاض المسائل**. چاپ اول، قم: آل البيت<sup>(ع)</sup>.
- طریحی، فخرالدین، (۱۴۱۶ق). **مجمع البحرین**. ۶ ج، چاپ سوم، تهران: کتابفروشی مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۸۷ق). **المبسوط فی فقه الإمامیه**. ۸ ج، چاپ سوم، تهران: **المکتبه المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه**.
- طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۰ق). **النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی**. چاپ دوم، لبنان: دار الكتاب العربی.
- عاملی، زین الدین بن علی، (۱۴۱۰ق). **الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشی - کلاتر)**. ۱۰ ج، چاپ اول، قم: کتابفروشی داوری.
- عاملی، زین الدین بن علی، (۱۴۱۳ق). **مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام**. ۱۵ ج، چاپ اول، قم: المعارف الإسلامیه.
- عاملی، محمد بن مکی، (۱۴۱۷ق). **الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیه**. ۳ ج، چاپ دوم، قم: اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

سازوکارهای حمایتی از تربیت ... ❖ ۱۶۷

❖ سال دوم، شماره پنجم، بهار ۱۳۹۳

عاملی کرکی، علی بن حسین، (۱۴۱۴ق). *جامع المقاصد فی شرح القواعد*. ۱۳ ج، چاپ دوم، قم: آل البيت<sup>(ع)</sup>.

فاضل موحدی لنکرانی، محمد، (۱۴۲۱ق). *تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة - النکاح*. چاپ اول، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار<sup>(ع)</sup>.

فاضل هندی اصفهانی، محمد بن حسن، (۱۴۱۶ق). *کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحکام*. ۱۱ ج، چاپ اول، قم: اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۹). *حقوق مدنی خانواده*. ۲ ج، چاپ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.

کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق). *الکافی*. ۸ ج، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الإسلامية.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*. ۱۱۱ ج، چاپ دوم، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۲۵ق). *أنوار الفقاهة - کتاب البیع*. چاپ اول، قم: مدرسه الإمام علی بن أبی طالب<sup>(ع)</sup>.

نجفی، کاشف الغطاء، علی بن محمد رضا، (۱۳۸۱ق). *النور الساطع فی الفقه النافع*. ۲ ج، چاپ اول، نجف: مطبعة الآداب.

نجفی، محمد حسن، (۱۴۰۴ق). *جواهر الكلام فی شرح شرائع الإسلام*. ۴۳ ج، چاپ هفتم، لبنان: دار إحياء التراث العربی.

نظری توکلی، سعید، (۱۳۸۵). *حضانت کودکان در فقه اسلامی*. چاپ اول، تهران: سمت و بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

نوری، حسین بن محمد تقی، (۱۴۰۸ق). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. ۲۸ ج، چاپ اول، قم: آل البيت<sup>(ع)</sup>.